



شکار هواپیمای بدون سرنشین توسط عقاب طلایی پا یگاه نظامی فرانسه، عکس از اسپوتنیک نیوز

عکسی هیجان انگیز از نمایش هنرهای رزمی نیروهای ویژه ار تش بلاروس، عکس از رویترز



عروس کشان در هوای خیلی برفی، عکس از خبرگزاری دانشجو

دنیانه روایت تصویر

## در محضر بزرگان

## چراغ راهنمای دین

مرحوم آیت... مجتهدی تهرانی درباره اهمیت اجبار در کارهای خوب و بد گفته‌اند: «همان‌طور که در سر چهارراه وقتی چراغ قرمز می‌شود، ترمز می‌کنید، دین هم چراغ قرمز دارد. چراغ قرمز دین کارهای حرام است. یعنی وقتی به کار حرامی رسیدی، ترمز کن و چراغ سبز دین هم کارهای حلال است. کسانی که برای چراغ قرمز ترمز می‌کنند، دو جور هستند؛ یک دسته از ترس جرمه شدن ترمز می‌کنند که این ترمز کردنشان خیلی چنگی به دل نمی‌زند، اما عده‌ای هم برای احترام گذاشتن به قانون ترمز می‌کنند که این مهم است. ما هم اگر از ترس جهنم نماز بخوانیم، این نماز خواندنمان زیاد چنگی به دل نمی‌زند؛ یعنی اگر به این خاطر صبح‌ها بلند می‌شوی و نماز می‌خوانی که به جهنم نروی، این نماز خواندن زیاد دل‌چسب نیست، اما اگر به تو بگویند نماز صبح هم نخوانی به جهنم نمی‌روی، اما باز بلند شوی و نماز بخوانی، این خوب است.» منبع: پایگاه اطلاع رسانی حوزه

## احکام

## جلوتر ایستادن زن هنگام نماز

**محمد علی ندائی** – هنگامی که زن و مرد کنار هم و در یک مکان (چه خانه و چه اماکن عمومی مانند حرم) نماز می‌خوانند، دست کم باید به اندازه یک وجب از هم فاصله داشته باشند. البته چنان چه مرد جلوتر از زن باشد به نحوی که محل سجده زن برابر با زانوی مرد باشد، حتی اگر به اندازه یک وجب هم بین آنان فاصله نباشد، نمازشان صحیح است در حالی که اگر زن جلوتر از مرد باشد یا کنار هم باشند، رعایت فاصله به اندازه یک وجب لازم است. حضرت آیت... خامنه‌ای در استفتایی دراین باره چنین فتوا داده‌اند:

**سوال:** آیا این گفته که باید مردان هنگام نماز جلوتر از زنان بایستند، صحیح است؟

**جواب:** بنا بر احتیاط واجب لازم است بین زن و مرد در حال نماز، حداقل یک وجب فاصله باشد و در این صورت اگر زن و مرد محاذی (برابر) یکدیگر بایستند یا زن جلوتر از مرد بایستد نماز هر دو صحیح است.

## فتوشعر



## سفرنامه

## خانه‌های اصفهان

فرانچسکو جملی کاری که اواخر دوران صفویه به ایران سفر کرده است در توصیف خانه‌های شهر اصفهان از سفرنامه‌اش آورده: «در سه طرف حیاط اتاق‌هایی بنا شده، زیر اتاق‌ها زیر زمین‌هایی تعبیه گردیده. اهل خانه تابستان را در این کوچکی دارند که هوا و روشنایی را از آن‌ها می‌گیرند. کف اتاق‌ها با فرش‌هایی متناسب با ثروت صاحب خانه مفروش است. در یکی از اتاق‌ها تعداد زیادی تشک و لحاف پنبه‌ای روی هم چیده شده، این‌ها به درد استراحت شبانه اهل خانه می‌خورد. منزل ثروتمندان غالباً دو طبقه است و از در بزرگی به دالان مستقی وارد می‌شود، در طرفین دالان اتاق‌هایی قرار گرفته که سقف و دیوارهای آن‌ها به طرزی بدیع معماری و نقاشی شده. پشت پنجره‌های حرم‌خانه پرده‌هایی آویزان است. در بعضی جاها به جای پنجره چوب‌هایی مشبک جا گذارده‌اند که در آن نقش‌هایی به اشکال هندسی تعبیه و شیشه‌هایی در آن شبکه‌ها قرار داده شده است. پشت بام‌ها معمولاً صاف و هموار و کاه و گل انداخته است. شب‌های تابستان عده‌ای پشت بام می‌خوابند. در زمستان‌ها باید همیشه مواظب پشت بام‌ها بود تا برف و باران صدمه زیادی به آن‌ها نرساند و از این نظر است که پس از باریدن برف بلافاصله آن‌ها را برف‌روبی می‌کنند. برگرفته از کتاب «سفرنامه کاری»

## نوستالژی

## اندک‌صبر

## بهانه‌ای برای تماشای



## اندک‌صبر

از من نه‌رس  
اجناس کدام مغازه  
زیباتر بود  
من تمام مدت  
در شیشه‌ویترین‌ها  
خودمان را تماشا می‌کردم...

علیرضا قاسمیان خنمه

## دور دنیا

## بلند ترین صدای هور اکشیدن!



**گیس وریلد رکورد**/ دانشجویان دانشگاه «کانزاس» آمریکا توانستند رکورد بلند ترین صدای هورا کشیدن را به نام خودشان ثبت کنند. آن‌ها با تجمع در سالن ورزشی دانشگاه توانستند صدایی به بلندی ۱۲۶/۴ دسی بل را ثبت کنند. برای این که بدانید این حجم از صدا چقدر است، بهتر است بدانید که صدای موتور هواپیمای جت هنگام برخاستن ۱۵۹ دسی بل است. طرفداران تیم بسکتبال NBA از سال ۲۰۱۳ رکورددار این عنوان بودند که توسط دانشگاه کانزاس شکسته شد.

## بستنی با طعم گریه!



آدیتی سنترال/ شاید عجیب به نظر برسد اما ژاپنی‌ها علاقه زیادی به بافت و بوی پنجه گریه و سگ دارند! از این رو کارخانه‌های مواد غذایی هر طور شده، خوراکی‌هایشان را با بوی پنجه گریه طعم دار می‌کنند! به تازگی هم بستنی با طعم پنجه گریه و سگ به بازار آمده است. هر چند در تهیه این بستنی از گریه و سگ استفاده نمی‌شود اما با استفاده از موادی مانند پشمک و ذره‌های آجیل یا تکه‌های پاپ‌کورن و اضافه کردن طعمی که بوی پنجه گریه را می‌دهد، حس خوشایند طعم پنجه گریه را برای مشتریان دارد!

## گران ترین خط‌کش دنیا!



آدیتی سنترال/ یکی از گران ترین مارک‌های فرانسی که بیشتر در زمینه پوشاک کار می‌کند، خط تولید یک خط کش گران قیمت را راه اندازی کرده است. خط کش‌های این کارخانه که فقط ۱۵ سانتی متر هستند و هیچ ویژگی خاصی هم ندارند، ۱۷۵ دلار است! یعنی بیش از ۱۱ دلار برای هر سانتی متر! صاحبان این مارک معروف در توضیح عرضه این کالای عجیب می‌گویند باید فرقی بین خط کش‌های فرزندان افراد ثروتمند و غیر ثروتمند باشد!

## فانیفست بزرگان

\* هیچ‌کس از درون من خبر ندارد.  
\* قبض برقم دو برابر کل یارانه‌هاست! خود کرده را تدبیر نیست.  
\* زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست.  
\* کلیات زندگانی زیباست.  
\* اجداد من بشکه‌های بزرگی بودند.  
\* رنگ‌خودم را دوست ندارم.  
\* وقتی انسان‌ها به این راحتی یکدیگر را دور می‌زنند حتما زمین گرد است.  
\* به قلم محمدرضا ستوده، برگرفته از مانهام طنز «بچه‌مرد»

## از شما

## پشت در بسته افکار

صدای باران / سوسوی نور / نور ماه بالایی سر / همه چیز تاریک / سرم پر ز رویا / آه، رفتگر امشب کارش بس دشوار است / چون تمام دل‌تنگی ام را / غم را / نگاه سردم را / لیخند اجباری روزم را / حرف‌های شکننده دیروز را / آرزوی محال کودکی را / همه را پشت در بسته افکارم گذاشتم / بگذار رفتگر آن‌ها را ببرد

مخاطبان گرامی: شما هم می‌توانید مطالب (طنز، شعر، خاطره...) خودتان را به شماره ۰۲۷۶۱۵۰۴۲ فکس یا در تلگرام به شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ فرستید تا با نام خودتان چاپ کنیم.



قرارت کنتور برق در حالی که ارتفاع برف از یک متر هم بیشتر شده است!

«جوری سرد شده هوای داخل اتاق که می‌ترسم پنجره رو باز بذارم، مردم بیرون یخ بزنن!»  
«اسکار دردناک ترین لحظه خونه تکونی هم می‌رسه به تمیز کردن شیشه‌ها تی شرت مورد علاقه‌ات!»  
«امسال تو خورس‌خونه خونه تکونی معنی نداره، تا پنجره رو باز کنی انگار Ctrl+Z زدی، دوباره گردو خاک برمی‌گرده رو وسایلی!»  
«سخت‌ترین کار بعد از کار تو معدن، کنترل آب دماغ وقتی سرما خوردی و دستمال کاغذی نداریه!»  
«بزرگ ترین مزیت پاوربانک نسبت به شارژر اینده که می‌تونی به هر دو طرف بخوابی!»  
«مامانم که شیشه پاککن می‌خردید لحظه شماری می‌کردم تا اون ماده داخلش تموم بشه بعد توش آب پر کنم بازی کنم. این بلند مدت‌ترین برنامه‌ریزی زندگیم بود!»

## کله چغوک

## آق کمال خانه‌تکانی می‌کند

کاملیاخانم شروع کرده به خانه‌تکانی... حالا هرچی مُگم بایا ما که تازه آدم‌به‌ای خانه‌یگ مثقال آپارتمان چیش به‌ت‌کوندن؟ گوش‌نمده به حرفم، طفلی حق هم دره. همه هفته دوتایی‌مان سر کارم و فقط همی جمعه‌ها ره وقت درم به کارای خانه برسم. جمعه کله سحر بیدارم کرده که و‌خه وقت کمه. چشتمان روز بنبینه، یگ لقمه نون خورده و نخورده، از آشپزخانه شروع کردم. گازه بیکیش جلو، یخچاله بذار اوتر، شیلنگ بیار، کف ره طی بیکیش، سقف ره جارو بزن، کابینتا ره اسکاجی کن، پنجره‌ها ره در بیار بوشور، پرده‌ها ره وا کن، چراغ ره دستمال بیکیش، ظرف‌های تو کابینت ره ببریز بیرون، این جاره بوشور، اون جاره بساب و... یعنی تا ظهر لظ و پُل رفتم. فکر مکرر دُم وقتی بزم‌خانه خودم دگه از اردو فرمونا مادرُم وای کارا خلاص مرم و تو خانه لم‌مُدم و بری خودم آقایی مکُم. نگو او زمان ما بچه‌ها هم بودم که به آقام کمک کنیم و حالا مو خودم تنهایی باید همه کارای خانه ره بکنم!

عصر شدو خسته و کوفته تقریباً آشپزخانه تموم رفتمه بود. عیال نشست و مورقُم دو تا دمنوش به لیمو ریختم که خستگی از تنمان در بره که پام خیس رفت. گفتم: «کاملیا جان، فرش تو هال زم‌شستی؟» گفت نه. گفتم: «پس بری چی پام تا بجم مره تو آب؟» آقا ما ره میگی، هم خم شدم دست بزنم به فرش دیدُم سرتاسرش لیج آبه! فرش ره کیشیدم کنار، سرامیک‌های زیرش هم مثل دریاچه غرق آب بود! دوتایی به هم نگاه کردم و یگ نگاهی به آشپزخانه کردم، نگو وقتی کشش ره آب گیرفته بودم، قشنگ از زیر کابینتا آب شره کرده تو هال و تمام زندگی ما قیج آب رفتمه بود!

یعنی هرچی از صبح چون کنده بودم یگ طرف، ای اضافه کاری بعدش یگ طرف. واز همه چیز ره جمع کردم و بردم بیرون و کف ره طی کیشیدم و بعد از یگ ساعت تموم شد. نشستم یگ قورت چیزی بخورم نفس‌مان جا بیه، رفتم دوباره دمنوش ببریزم که... استکانا از دستم در رفت و توخ توخ شدن و هرچی توش بود کف آشپزخانه و هال و در دیوار پاشید. در او لحظه فقط به یگ چیز فکر مکرر دُم، کار تو نوت و مت!

آق کمال



سینما

## دی روزنامه

## شکار آدم فضایی‌ها با پرتقال!

یکی دو روزی است در صفحات مجازی و کانال‌ها، عکس‌ها و فیلم‌هایی از یک شیء مشکوک در آسمان کشور می‌بینیم. آن‌قدر که هموطنان از این شیء عکس و فیلم ثبت و منتشر کردند، کل سینمایی‌ها بیوود تا حالا درباره موجودات فضایی و بیگانگان و سفینه‌هایشان فیلم نشانند!

ولی یادمان باشد از این به بعد وقتی چنین صحنه‌های جذابی دیدیم، هنگام فیلم برداری آن‌قدر زوم نکنیم و دست‌مان تکان نخورد که انگار سرنشینان سفینه درحال بندری زدن هستند! جلوه‌های ویژه و فیلترهای مختلف و نوشتن اسم و آدرس‌مان روی کلیپ هم فراموش نشود. اگر هم چنین شیء نورانی دیگر به تو‌مان نخورد، خودمان دست به کار شویم و یک چیزی بسازیم تا ببینندگان و منتشرکنندگان، ازش خوش شان بیاید. به هرحال ما که توانایی خودمان در ساخت دابسمش‌های جذاب و پربیننده را ثابت کرده‌ایم، حیف است توانیم یک کلیپ چند ثانیه‌ای بسازیم از بشقاب پرندهای که قصد دارد به زمین حمله کند ولی ما با مگس کش و لوله جارو برقی دورش می‌کنیم!

در این که این جسم نورانی چه بود هم بحث‌های فراوانی است. یا یک موشک خارجی بوده که از آن سر دنیا به هوا فرستاده شده و نورش به ما رسیده است. یا پهبادی بوده که در یک مجلس عروسی به پرواز درآمد برای فیلم برداری از صحنه غذا خوردن مهمان‌ها و ثبت لحظه ریختن کرم کارامل روی چوجه کباب ولی دسته کنترل فیلم بردار خراب شده و خیلی هوا رفتم!

یا بالون آرزوهای دانش‌آموزانی بوده که به هوا فرستاده‌اند تا باز هم بارش برف ادامه پیدا کند و چند روزی بیشتر از درس و مشق فرار کنند!

یا از این جاسوییچی‌های لیزری و چراغ قوه‌های قوی بوده که فروشنده‌گان داخل مترو برای تست به آسمان تابانده‌اند!

یا واقعاً سفینه فضایی بوده و وقتی به زمین نزدیک شده و دیده یک طرف کشورمان زیر برف است و طرف دیگرش با گرد و غبار دست و پنجه نرم می‌کند، یک طرف را هم سیل برده و آن طرف‌تر مردم از آلودگی هوا در حال خفه شدن هستند، پشیمان شده و خواسته برگردد ولی فرمانده‌اش گفته حالا که تا این جا آمده‌ایم برای این که دست خالی نایشیم چنتا تا موز برداریم که آن هم گیرش نیامده و مجبور شده پرتقال ببرد که وقتی با اشعه سفینه‌اش کش رفتم، از بس خشک بوده توی گلویش گیر کرده و با حالت خفگی از زمین فرار کرده است!

علیرضا کاردار

## نیاز طنزها



نویسنده: ناصر رعیت نواز

## ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

هر غذایی نمکی دارد، نمک روزنامه خراسان هم زندگی سلام» است.

«علکساندرو کاربراتورا! خدایی این داستان‌های ستون «افسانه نوین» رو از کجا میاری؟ دمت گرم خیلی حوصله داری!»  
«در زندگی سلام» روز یک شنبه در قسمت دور دنیا، «هتل ۵ ستاره گربه‌ها» منبع را اشتباه قید کرده‌اید. این مطلب برای آدیتی سنترال است.

**ما و شما:** ممکن است این خبر را آدیتی سنترال هم کار کرده باشد اما معمولاً این خبرها در چندین سایت منتشر می‌شود و ما خبر مربوطه را از همان بورد پاندا نقل کرده‌ایم. بازم ممنون از دقت تون.  
«سلام مرتضی جان، خواستم به خاطر عشقی که به من داری ازت تشکر کنم. همسر آینده ات نامزدت فازه» بخش فرقه. نگار فرهادی کلاس اول هستم. به نظر من همه قسمت‌ها خوبه فقط دانستنی‌ها رو دوست ندارم ولی دانستنی‌های کل رو دوست دارم. لطفاً کاردرستی و چیستان و لطیفه زیادت‌ر چاپ کنید. قصه و شعر هم چاپ کنید.  
«از افسانه‌های نوین ممنون. کلی کیف کردم چرا که طنز تلخی بود.

پاسخ‌خفن استریپ‌شماره قبل: سبزهر، روبه‌راه، قاب‌ساز